

خانواده‌های پر جمعیت شادترند

چند دلیل و هزار بهانه برای بچه‌نیاوردن



است و بهتر است بگوییم حتی برخی دلایل مان، در واقع نه دلیل که بهانه است. در این میان اکثریت مان مشکلات مالی را علت اصلی ذکر می‌کنیم، ولی وقتی مجموعه علل را به صورت پازلی کنار هم می‌چینیم، متوجه می‌شویم سهم مشکلات اقتصادی چندان هم که تصور می‌کردیم جدی و اثرگذار نیست، به‌ویژه وقتی می‌بینیم تمایل خانواده‌های پولدار هم به داشتن چند فرزند بسیار پایین است و باز هم به‌ویژه وقتی گذشته مراجعه می‌کنیم و دل و جرئت والدین، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های مان را در داشتن هفت‌هشت فرزند با وجود زندگی کارگری و نداشتن درآمد آتچنانی، می‌تاییم و حسرت می‌خوریم که کاش مثل آن وقت‌ها خانواده‌ها شلوغ و همه دور هم و شاد بودند. واقعاً مگر چه چیزی تغییر کرده است؟ جز این است که بچه‌های قدیم با سادگی رشد کردند و قد کشیدند، اما امروز قید بچه را می‌زنیم، چون تصور می‌کنیم بچه‌دار شدن مستلزم داشتن خودرو، خانه چنداتاقه و حساب بانکی خوب است تا بچه‌ها هر چه خواست مثل ریگ به پایش بریزیم. کلامان را قاضی کنیم، واقعاً دلایل مان برای بچه‌دار نشدن، محدود است و قابل اغماض و البته بهانه‌مان بی‌شمار و ظاهر اثرگذار!

حسین گل‌محمدی

کاهش روند رشد جمعیت در ایران طی سال‌های اخیر موجب بروز نگرانی‌هایی شده است که به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت؛ روندی که سال‌ها پیشتر از شعار ماهیتاً غلط «فرزند کمتر، زندگی بهتر» آغاز شد و حالا تبعات این رویکرد دامان همه ما را گرفته است، البته شاید من و شمای بزرگسال بگوییم که قرار است چندصباحی را میهمان این دنیا باشیم و بعدش خداحافظی کنیم، ولی اگر از منظری فراگیر تر به موضوع نگاه کنیم، باید نگران فردایی باشیم که در انتظار فرزندان ماست. فردایی با جامعه پیر که پویایی و نشاط خود را از دست داده و بالطبع در چنین جامعه‌ای رشد و تولید و پیشرفت کم‌کم رنگ خواهد باخت. حالا اگر من و شمای اکنون، در سن جوانی و آستانه میانسالی باشیم، در صورت نداشتن فرزند، داستان سالمندی‌مان طور دیگری رقم خواهد خورد و سال‌هایی تنها و غمگین در انتظارمان خواهد بود. سؤال این است: چرا از بچه‌دار شدن می‌ترسیم؟ چرا از داشتن چند فرزند هراس داریم و می‌گریزیم؟ چرا همین نگرش و هراس را به دیگران انتقال می‌دهیم؟... و پرسش‌های مشابه دیگر در حالی مطرح می‌شود که بهانه‌های مان از دلایل مان بیشتر

مهارت رویارویی با مشکلات و حس تعهد و تعامل را در افراد افزایش می‌دهد و موجب رشد اجتماعی آنان می‌شود. اما تک‌فرزندان سازگاری اجتماعی کمتری دارند. حضور پر تعداد تک‌فرزندان موجب بروز حوادث کنترل نشده در جامعه و حوادث اجتماعی مختلف خواهد شد و کیان جامعه و خانواده را به خطر می‌اندازد. پیامدهای تهدیدکننده تک‌فرزندی به دلیل اینکه تک‌فرزندان نقطه اتکای محدودی در کانون‌های اجتماعی دارند و به خانواده وابسته هستند، در ازدواج آنها نیز خود را نشان می‌دهد. آنان معمولاً یا دیر ازدواج می‌کنند یا در برابر باج‌خواهی همسر کوتاه می‌آیند و بیش از حد رفتارهای پر خاشگرانه را تحمل می‌کنند. تک‌فرزندها در انتقال مشکلات خود به خانواده و جامعه دچار اضطراب هستند. آنان از کودکی کانون توجه والدین بوده‌اند و این در بزرگسالی آسیب‌زا است چرا که تکیه‌گاه محکمی ندارند. در خانواده‌های منسجم پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزندان و والدین قوی است، ولی این وابستگی باید متعادل باشد. افراط و تفریط آسیب‌زا است و در خانواده تک‌فرزند میزان وابستگی دارای افراط و تفریط است و تعدد فرزندان می‌تواند هماهنگی لازم را ایجاد کند. تضعیف شبیهه ارتباطی خویشاوندی در تک‌فرزندان رایج است. عمو، عمه و دایی و خاله که موجب تعمیق ارتباط عاطفی می‌شود، وجود ندارد. تک‌فرزندی تبعات مخرب عاطفی بسیاری دارد و نسل برآمده از این خانواده‌ها به سمت تنهایی سوق داده می‌شود.

آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین چیست؟

والدین تک‌فرزند آمار بالاتری از افسردگی دارند. آنان بعد از ازدواج فرزندان افسرده می‌شوند و مشکلات پرستاری و نیاز به حمایت از والدین در تک‌فرزندان زیاد است. بعضاً ممکن است والدین مریض شوند و از آنجا که بار مشکلات زیاد است، معمولاً پدر و مادرها هم از حمایت کافی فرزندان برخوردار نخواهند بود. نبود خواهر و برادر باعث می‌شود نقش‌های اصلی برای رشد به‌همچنان ابعاد عاطفی و رفتاری شکل نگیرد. در پژوهشی که در انگلستان انجام شد، متوجه شدند رفتارهای پسرانی که خواهر دارند به‌همچنان از پسران بدون خواهر است. پیامد دیگر تک‌فرزندی کاهش اقتدار والدین است. در سیستم کامل خانوادگی همه چیز از سوی نقش‌شدها، به پدر و مادر راجع و سبب شکل‌گیری یک اقتدار درون‌شبکه‌ای می‌شود. الگوی هر می قدرت درون خانواده نهاده‌ینه می‌شود، لذا از تقابل فرزند و والدین جلوگیری به عمل می‌آید. اگر در خانواده تک‌فرزندی به دور از شبیهه خویشاوندی اقتدار از سوی خود والدین باشد یا معمولاً شاهد انفعال والدین در برابر فرزندان هستیم و برعکس یا موجب بروز خشونت از سوی والدین می‌شود.



گرایش به انزوا، افسردگی و ضعف در برقراری ارتباطات از خصوصیات تک‌فرزندان است. والدین تک‌فرزند نیز آمار بالاتری از افسردگی دارند

آیا تک‌فرزندی تبعات اجتماعی و تعاملی هم دارد؟

در دنیای واقعی میل و خواسته تک‌فرزندان برآورده نمی‌شود و کار گروهی نیز در آنها ضعیف است. طبق پژوهشی در سال ۸۸ تک‌فرزندی و فرزندسالاری مانع شکل‌گیری شخصیت فعال در فرزندان می‌شود. شخصیت فعال یعنی فرد نسبت به نگرش و رفتار خود هوشیار است و راحت تصمیم می‌گیرد، کارهای خود را با اعتمادبه‌نفس بیشتری انجام می‌دهد و کمتر دچار تردید می‌شود. شخصیت تک‌فرزند در برابر اتفاقات منفعل است. تحولات جامعه مرعوب می‌شود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نسبت به توانایی خود هوشیار نیست. این افراد همچنین بیشتر دچار استرس می‌شوند. بر اساس پژوهش سال ۸۸ کودکان تک‌فرزند همچنین در سنین پایین رفتارهای نامتعارف به لحاظ جنسی دارند. همچنین بر اساس نتایج پژوهشی در سال ۷۵، فرزندان خانواده‌های محدود و تک‌فرزندی دچار تأخیر در جامعه‌پذیری هستند. در واقع الگوهای رفتاری و مهارت‌های ارتباطی در این افسردان دیرتر شکل می‌گیرد. گرایش به انزوا، افسردگی و ضعف در برقراری ارتباطات با همسالان و از آن‌مهم‌تر توجه به بازی‌های انفرادی و رایانه‌ای و ترس از گروه‌های اجتماعی همسال از خصوصیات تک‌فرزندان است. عدم‌حضور در گروه‌های اجتماعی همسال مدیریت اجتماعی فرزندان تک‌فرزند را ضعیف می‌کند و امکان سوءاستفاده از آنان را بالا می‌برد.

جامعه‌پذیری مناسب و فعالیت‌های گروهی و کار جمعی،



سیده مریم ناظمی، کنشگر جوانی جمعیت در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کرد

تنهایی و افسردگی در انتظار جامعه مبتنی بر الگوی تک‌فرزندی

اندازه به خواسته‌ها و مطالبات تنها فرزند خانواده و منجر به فرزندسالاری می‌شود. همچنین برآوردن خواسته‌های بچه‌ها، حتی اگر بیش از حد و مرز شرعی و قانونی باشد، باعث می‌شود خانواده‌ها تحت سلطه فرزندان قرار گیرند. در واقع توجه بیش از حد به فرزند باعث می‌شود تک‌فرزندان هرگز برای اهداف خود صبر و تحمل نداشته باشند و تاب‌آوری فرزندان در برابر محرومیت بسیار ضعیف می‌شود. از طرفی به دلیل تنها بزرگ شدن و رفتار شدیداً حمایتی والدین، تصور تک‌فرزندان از جامعه پیرامون این است که افراد دیگر نیز باید چتر حمایتی خود را روی آنان باز کنند و

آیا تک‌فرزندی منحصر به شرایط امروز است؟

در سراسر تاریخ مهم‌ترین کارکرد خانواده فرزندآوری بوده است، اما در برخی مقاطع تاریخی خانواده‌ها به داشتن فرزند کمتر یا یک فرزند ترجیح داده‌اند، لذا تک‌فرزندی پدیده جدیدی نیست اما در جامعه ما هیچ زمانی تا الآن مورد توجه نبوده و شیوع نداشته است. در آموزه‌های اسلام نه تنها تک‌فرزندی توصیه نشده بلکه با آن مخالفت هم شده است و حتی با رعایت شرایطی دعوت به ازدیاد نسل می‌شود. در قرآن کریم تکثیر نسل یکی از اهداف اجتماع ذکر شده و روایات زیادی از معصومین (ع) موجود است که مسلمانان را تشویق به ازدیاد نسل می‌کنند.

تبعات تک‌فرزندی برای فرزندان چیست؟

از نظر علوم تربیتی تک‌فرزندی باعث توجه بیش از

سیده مریم ناظمی، کنشگر جوانی جمعیت در گفت‌وگو با «جوان» از تبعات تک‌فرزندی برای والدین، فرزندان و اجتماع گفته است. به اعتقاد وی، گرایش به انزوا، افسردگی و ضعف در برقراری ارتباطات با همسالان و از آن‌مهم‌تر توجه به بازی‌های انفرادی و رایانه‌ای و ترس از گروه‌های اجتماعی همسال از خصوصیات تک‌فرزندان است. همچنین درباره تبعات تک‌فرزندی برای والدین می‌گوید: والدین تک‌فرزند آمار بالاتری از افسردگی دارند. آنان بعد از ازدواج فرزندان افسرده می‌شوند و مشکلات پرستاری و نیاز به حمایت از والدین در تک‌فرزندان زیاد است. بعضاً ممکن است والدین مریض شوند و از آنجا که بار مشکلات زیاد است، معمولاً پدر و مادرها هم از حمایت کافی فرزندان برخوردار نخواهند بود. مشروح گفت‌وگو با این کارشناس را در ادامه بخوانید.

یادداشت ازدواج و فرزندآوری هم‌زاد هم هستند

حجت‌الاسلام حمید حیدری* در تعالیم دینی و روایات در باره فرزندآوری سفارش‌های زیادی شده است. پیامبر رحمت رسول خدا (ص) فرمودند: خانه‌ای که کودکی در آن نباشد، برکتی در آن نیست (نهج‌الفصاحه، ص ۳۷۴). رسول خدا (ص) فرمودند: فرزند بخواهید و آن را از خداوند طلب کنید که فرزند مایه روشنی چشم، شادی قلب است (روضة‌الواعظین، ص ۳۶۹). در حوزه فرزندآوری دو نکته بسیار حائز اهمیت است: اولاً هدف اولی و اصلی در زندگی مشترک چیست. در این زمینه باید دقت داشت چرا که قرآن کریم صراحتاً کسالی را که ترس از ازدواج را فقط فقر می‌داند، دعوت به ازدواج می‌کند و تأکید دارد خداى لا‌یزال از فضلش آنان را توانگر و غنی می‌کند (سوره نور، آیه ۳۲). در واقع امر ازدواج و فرزندآوری ضرورت هم‌زمانند و در یک راستا هستند و وعده فضل خدا در ازدواج نیز در فرزندآوری جاری است. به تعبیر واضح‌تر تغییر در سبک زندگی اسلامی به تفسیر ماز زندگی بستگی دارد، لذا وقتی کسی از فرزنددار شدن سؤال می‌کند، باید هدف او را از زندگی پرسید که چرا اساساً زندگی مشترک را شروع کرد؟ آیا مسائل مالی و رفاهی، یکی از عوامل بی‌انگیزگی در فرزنددار شدن در خانواده‌هاست؟ به نگاه مادی اصل بار فاه است و هر چیزی که با فاه منافات داشته باشد، کنار گذاشته می‌شود، حتی اگر فرد بپوشد یا در خوشبختانه‌ترین حالت به فرزندان کمتر قانع می‌شوند و از خانواده‌های غربی به دیر صاحب فرزند می‌شوند و اگر هم فرزنددار شدند، تربیت او را به ابزارهای دیگری جز خانواده می‌سپردند تا به آسایش خودشان لطمه‌ای وارد نشود. در زمان رسول خدا (ص) عموم مسلمانان در تنگنای اقتصادی به سر می‌بردند، با وجود این ایشان مسلمانان را به فرزندآوری بیشتر تشویق می‌کردند یا در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) فلسفه ازدواج را تکثیر نسل می‌فرماید: پیامبر خدا (ص) فرمودند ازدواج کنید، زیرا من در روز قیامت به کثرت و وفرتی شما بر سایر امثال‌افخار می‌کنم (من‌لایضرحه‌الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۲).

* کارشناس مذهبی



بود که باهم می‌کردیم. ما حتی سر خوردن رشته‌پلو خاله و ته‌دیگ دعوا داشتیم. گاهی وقتاً میگویم بنده خدا خالم چه سرویسی به ۱۰ بچه می‌داد، من و دو تا برادر، چهار تا بچه‌های خالم و سه تا دختر خاله‌های دیگر. تازه به این جمع گاهی دو سه نفر از بچه‌های همسایه هم اضافه می‌شدن. این داستان هر روز ما بود تا کم‌کم بزرگ شدیم. ما دهه پنجاه و شصتی‌هایی که رنگ گوشت دیدیم تو بچگی و نه عشق تلویزیون دیدن داشتیم. هاکلبرفین و آرایشگاه زیبا و اوشین هم مجبوری شبای سرد زمستون می‌دیدیم، و الا که تابستون چیزی به جز دورهمی و بازی با بچه‌ها در دایره زندگی ما وجود نداشت.

هنوز هم وقتی حرف اون روزها می‌شناسم، دلتنگ میشم و خوشحالم

تابستون جمع نمی‌شد. قشنگ یادم هست پسرارو می‌فرستادیم از باغچه انگور بچینن و ما با اون انگورها مثلاً آش درست کنیم. بعد هم تو همون کاسه‌های خالی بازی براشون آش انگوری می‌ریختم. اگر روزی به بار پسر بازی ما دخترارو به هم نمی‌زدن انگار اون روز شب نمی‌شد یا توپو مینداختن وسط خاله‌بازی ما یا کشی که به درخت برای کش بازی می‌بستیم و پاره می‌کردن یا زغالای لی‌لی رو با آب می‌شستن، البته که ما هم از خجالت اونا در می‌آودیم یا توپ چهل تیکه رو پاره می‌کردیم یا ترتیب لاستیک دوچرخه رو با میخ می‌دادیم و البته خوشحال بودیم که چون دوچرخه پنجره شده حالا یا مامان یا بابا مجبور بیان دتیل ما و در نهایت با اصرار خاله‌ینا شام موندگاریم و کلی دور هم با بچه‌ها بازی می‌کنیم.

خونه خالم قدیمی و چند طبقه بود. به ترده سنگی داشتن که دو سه تا

سه‌چهار ساله بودم. برادر، به دوچرخه قراضه یا پول توجیبی‌هاش خریده بود. فاصله خونه ما تا خونه خالم چند کوچه فاصله داشت. دلیل اصرار و گریه‌ها رو اون روزها نمی‌فهمیدم، اما امروز که خاطرات دیروز رو مرور می‌کنم دلیل

گوله‌گوله اشک ریختن هامو می‌فهمم. انقدر اشک می‌ریختم تا برادرم دلش برام بسوزه و منو داخل سبد دوچرخه بنذاره و تا خونه خالم ر کاب برنذا خالم هست یکی دو بار بدچور زمین خوردم اما عین خیالم نبود. خونه خاله و دورهمی با بچه‌ها توی حیاط رو عشق بود.

حیاط خیلی بزرگی داشتن با درخت‌های مو و انجیر و توت سیاه،

نیره ساری

روایت حیاط خانه خاله و یک دوجین هم‌بازی قد و نیم‌قد

کودکی‌های من بادوچرخه قراضه کودکی‌های تو درگوشی خلاصه

انقدر پای ثابت خونه خالم بود که اصلاً وسایل و زین‌آباد تو روزای